

میدون و سوفیا

اول و وسط و آخر رابطه

● **پوریا عالمی:** آقای رئیس‌جمهوری گفته: آمریکا هر روز پیغام می‌دهد. ما هم مثل کشورها هستیم؛ یعنی سه‌تا مشکل اصلی داریم؛ ۱- شروع رابطه، ۲- وسط رابطه، ۳- پایان رابطه. **شروع رابطه:** خود ما هر دفعه خواستیم یک رابطه را شروع کنیم مسئله‌مان این بود که کی لایک اول را بکند یا کی اول شماره بدهد یا کی اول زنگ بزند. بعد مسئله‌مان جدی‌تر شد و موضوع این بود که کی اول آن یکی را رستوران و کافه دعوت کند. بعد کی اول دست آن یکی را بگیرد. بعد از همه اینها مشکل اصلی این است که کی اول جزوه‌های بیولوژیکش را به آن یکی قرض بدهد یا بگوید آشنیزت خوب است یا نه؟ من که تا نخورم باورم نمی‌شود. توی سیاست هم همین‌طوری هستیم ما. مثل رابطه با کدام کشورها؟ (ما نمی‌دانیم).

وسط رابطه: وسط رابطه هم همین است؛ یعنی مسئله این است که کی اول قطع کند. دیگر مهم نیست کی اول زنگ می‌زند. مهم این است که کی اول می‌تواند قطع کند. از آن ضایع‌تر اینجاست که صبح رفتند کوه، بعد رفتند ناهار، بعد رفتند سینما، بعد رفتند کافه. آن وقت موقع تاکسی گرفتن، این اصرار دارد آن را تا دم خانه برساند. بعد این می‌گوید خوب نیست تنها برگردی این‌همه راه رو عشقم. من هم باهاش میام. دیده شده که دو زوج وسط رابطه که هنوز داغ هستند، ۳۰۰ مرتبه یک مسیر را رفته و برگشته‌اند که آن یکی تنها نباشد. توی سیاست هم همین‌طوری هستیم ما؛ یعنی یا دوست نیستیم یا دوست هستیم دیگر. مثل رابطه با کدام کشورها؟ (ما نمی‌دانیم).

پایان رابطه: موقع به‌هم‌زدن هم همین است؛ یعنی دو طرف مطمئن هستند دارند پدر هم را درمی‌آورند، اما هی می‌گویند «نه عشقم... یه فرصت دیگه به همدیگه بدیم...» یا از این بدتر آن یکی می‌گوید: «من واسه خودت میگم... ما میشکیم رو بهتر از خودمون دیگه نمی‌تونیم پیدا کنیم...». آخرسر هم که به‌هم زدن دوتایی شروع می‌کنند آبروی طرف را توی اینترنت و زندگی و محل کار و بین رفقا بردن که این از اول هم آدم نبود، من ساده شدم! توی سیاست هم همین‌طوری هستیم؛ مثل رابطه با کدام کشورها؟ (ما نمی‌دانیم).

جمع‌بندی: سوفیا... عشقم... تو هم هی پیغام یسغام به من می‌دهی که با هم دوست شویم... اما وقتی می‌گویم «دوست دارم»، تو می‌گویی من هم دوست دارم و نمی‌خواهم دوست باشیم که دیگر همدیگر را دوست نداشته باشیم! فقط بگو من به کدام سازت برقصم عشقم. عاشق رقصنده تو؛ میدون دوم

شرق روزنامه

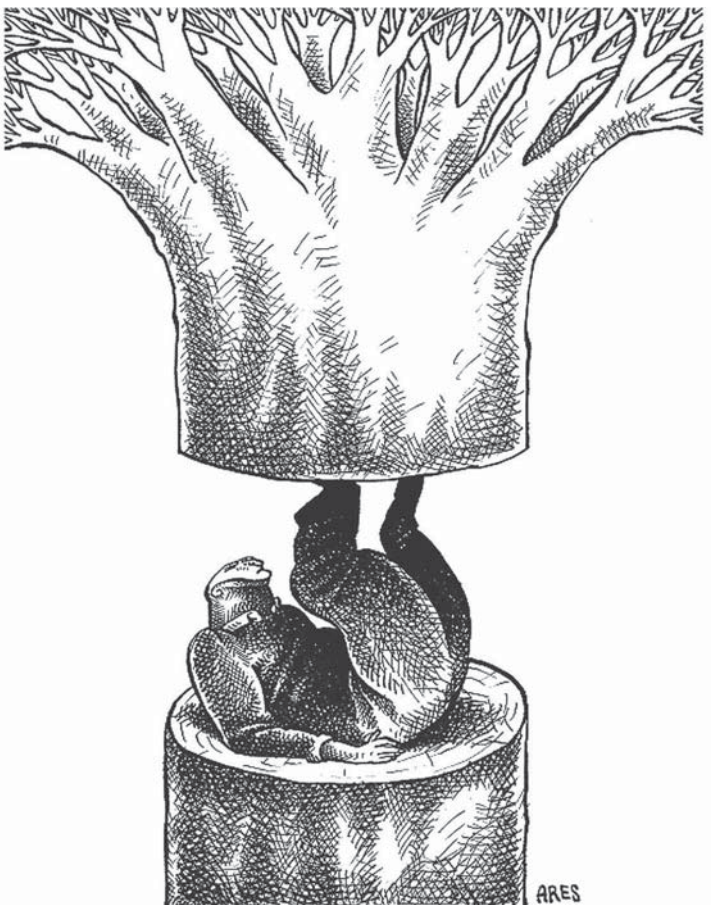
www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۸ شهریور ۱۳۹۷ • ۲۸ ذی‌الحجه ۱۴۳۹ • ۹ سپتامبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۳۲۳۹ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۱۹:۳۹ • اذان صبح فردا ۵:۱۷ • طلوع آفتاب ۶:۴۳

روزنفرها

کارتون خواب

آرستیدز هرئاندز



زنجیره ای

فروشگاه های

فروش فوق العاده ویژه بازگشایی مدارس

تا ۲۰ مهرماه

پویش مردمی کمک به تحصیل کودکان نیازمند

#یکی_برای_دوستم



▲ **علی خرم**
نماینده پیشین ایران در سازمان ملل متحد

اجلاس سه‌جانبه تهران بعد از مدت‌ها کش و واکش تشکیل شد. می‌توان گفت بعد از سال‌ها درگیری‌های داخلی، ادلب به‌نوعی آخرین سنگر گروه‌های معارض تروریست بود. این نگرانی وجود داشت که ترکیه به سمت این گروه‌های معارض تروریست چرخش کند، چراکه حدود هشت سال پیش که اوضاع سوریه به هم ریخت، ترکیه، عربستان، امارات و قطر پول و اسلحه بین جوانان سوریه توزیع و شروع به سرریزگیری و تشکیل گروه کرده و این گروه‌ها را علیه بشار اسد بسیج کردند. هنوز هم گروهی که در ادلب سوریه حضور دارد، به ترکیه وابسته است. بنابراین نگرانی وجود داشت که ترکیه با روسیه و ایران همراهی نکند. خوشبختانه با اینکه آقای اردوغان درخواست آتش‌بس بین دولت و گروه‌های معارض را داد، آقای پوتین اشاره کرد که

یادداشت

زلزله‌منوخوردا!



▲ **فخر السادات محتشمی‌پور**

چهارمین سفر به منطقه زلزله‌زده سرپل‌ذهاب را در پیش داشتیم. من تندتند در حال هماهنگی برنامه‌ها بودم که خبر دو زلزله بالای ۵ و ۶ ریشتری به فاصله یک روز رسید و تاله یاران و حمایتگران زلزله‌زدگان منطقه درآمد که زمین که لرزید دل زلزله‌زدگان را هم باز لرزاند و لرزش خانه‌های نیمه‌ساخته ثلاث‌باباجانی به ویرانی منجر شد و... شب قبل حرکتمان شروع کردم به حلالیت‌طلبی در گروه‌های مجازی دوستان و فامیل و همکاران و پیش خود گفتم یک وصیت‌نامه هم بنویسم و بگذارم برای بازماندگان، بد نیست. حالا آمدم و ریشتر زلزله رفت بالا و زمین ما را هم بلعید، درست نیست مالی اگر از مردم در دستمان امانت است، همسرجان و بچه‌ها بی‌اطلاع بمانند. بعد گفتم پایم که به اتوبوس رسید آنچه را که باید، می‌نویسم در صفحه همسرجان. حلالیت‌طلبی ما را کسی جدی نگرفت تو گویی بادمجان ممیم که آفت ندارد! یکی هم نوشت نگران نباش خواهر تهران هم می‌لرزد اما زیر لرزش‌های نو به نو لرزش زمین را کسی ملتفت نمی‌شود. راست می‌گفت دوستان، این روزها تا دلتان بخواد لرزش است و نوسانات که در بازار رخ می‌نماید! برای همسفرانم نوشتم من که چندنان دل به این دنیای دیوانه نیسته‌ام که مشتاق دیدار بیشترش باشم و عمر هم که دست خداست و هم او می‌داند لحظه بعدی در این دنیای فانی برای ما مقدر است یا نه؛ خلاصه آماده‌ام که با دلی آرام و قلبی مطمئن به پیش خدا بروم اما در قبال شما احساس مسئولیت می‌کنم با توجه به پس‌لرزه‌های مداوم در منطقه. اگر اندک تشویش‌خاطری دارید بفرمایید. نوشتند ما نگرانی نداریم و آماده حرکتیم و من نفسی به راحت کشیدم و گفتم عجب تفاهمی!

پایمان که به اتوبوس رسید مرور برنامه‌های فشرده سفر دیگر مجالی برای نوشتن وصیت‌نامه نگذاشت. فکر کردم بد نیست فایل صوتی بگذارم برای همسرجان؛ دیدم مسافران عزیز خوابند و مردم‌آزاری روا نیست...

ساعت شش صبح رسیدیم به ترمینال کرمانشاه، پیاده شدیم و هوای خنک صبحگاهی را بلعیدیم و من پیش خود گفتم خدا را شکر؛ این بار هم از حوادث و سوانح جاده‌ای جان سالم به در بردیم.

روزها آن‌قدر بدودبو داشتیم‌که به تنها چیزی که فکر نمی‌کردیم زلزله بود و شب‌ها هم که نمی‌را مشغول ارزیابی برنامه روز قبل و تدارکات برنامه روز بعد بودیم و از شما چه پنهان افسون شب‌های روستا خواب از دیده‌مان می‌برد و اما نیم دیگر را هم بیهوش و مدهوش بر بستر افتاده و خلاصه همه سه روز بالکل حواسمان از زلزله پرت بود؛ مگر آن‌گاه که اهالی دلشان می‌خواست آن لحظه‌های خوفناک را یادآور شوند و قصه‌های واقعی را برایمان بازگو کنند. طیاره کوچکی که قرار بود ما را به یار و دیار برساند، از این تازه خریداری‌شده‌ها بود از نوع ملخی، تمیز و قیراق. بدون تاخیر پرواز کرد و کمی که گذشت سفارش پشت سفارش شنیدیم که کمربندها را محکم ببندید و تازه ما متوجه تکان‌ها شدیم. یادم آمد که وصیت‌نامه را نوشته‌ام رو به همسفرم کردم و گفتم اگر رقتم و ماندی به همسرجان بگو آنچه از من باقی است بخشی متعلق به مردم است و بخشی را هم باید بدهند برای خیریه؛ ترجیحا انجمن زنان پژوهشگر تاریخ. دیگر وقت نشد توضیح بیشتر بدهم و باز ادامه دادیم ارزیابی کل برنامه سفر را تا صدای خلبان هم بلند شد که می‌خواست آرامش بدهد و بگوید تکان‌ها را به چیزی نگیریم چون مهم نیستند، می‌گذرد؛ یعنی می‌گذریم و گذشتیم و به سلامت فرود آورد خلبان طیاره‌اش را و ما به سلامت پای به زمین سخت فرودگاه مهرآباد گذاشتیم و من با خود گفتم این بار هم زلزله منو نخورد!

شاید گوشت‌تلیخ باشم؛ کسی چه می‌داند....

سلام به فردا

خوش‌شانسی مردم سوریه

صحه گذاشته شد و از این طریق، می‌توان گفت اجلاس تهران هم در بُعد برگرداندن صلح به سوریه موفق بود و هم در همکاری بین‌المللی با سازمان ملل و هم برای نوشتن قانون اساسی از خود انعطاف نشان داد و همچنین توجه مردم را به خود جلب کرد که دموکراسی را در آینده می‌توان در نوشتن این قانون اساسی رعایت کرد. در مجموع اجلاس تهران یک گام موفقیت‌آمیز برای جمهوری اسلامی ایران هم بود؛ به این دلیل که در این هیاهوسو حملات تبلیغاتی دونالد ترامپ علیه ایران و اعمال تحریم‌ها، این اجلاس نشان داد ایران قادر است در سطح بین‌المللی وظایفی را در جهت حفظ صلح بر عهده بگیرد و برخلاف آنچه دونالد ترامپ قصد دارد در جلسه شورای امنیت ایران مثلا درباره نقش ایران در - صحت خودش- شکستن وحدت کشورهای خاورمیانه صحبت کند، این اجلاس نشان داد ایران، در جهت وحدت کشورهای منطقه و از جمله سوریه گام برمی‌دارد و سر‌پاست. آمدن آقای پوتین و آقای اردوغان به تهران پیام خود را داشت و در مجموع می‌توان گفت برای ایران نیز تا حد زیادی موفقیت‌آمیز بود.

مغز اجتماعی-۳۳

لایه‌های احساسات و تنگناهای فرهنگی امروز



▲ **عبدالرحمن نجل‌رحیم**
مغزپژوه

احساسات در پس‌زمینه همه فعالیت‌های شناختی ما در جریان است. از خصوصیات مهم احساسات، خوشایندی یا ناخوشایندی، به‌عبارتی والانس یا بار عاطفی و ارزشی آن است. بروز احساسات، ساده‌ترین و اولیه‌ترین شکل آگاهی است. اولین ارتباطات اجتماعی ما نیز با ردیوب‌لشدن احساسات صورت می‌گیرد. ما احساسات را درونی و ویژه خودمان می‌دانیم، اما به جسمانی‌بودن آن توجه نداریم، به‌طوری که گویی بدن نیست که آن را تولید می‌کند. در نهایت ممکن است قبول کنیم که هنگام بروز احساسات چیزی در مغز ما تغییر می‌کند، ولی برایمان سخت است که آن را از طرف بدن خودمان بدانیم. درحالی‌که این بدن زنده ماست که احساسات ما را تولید می‌کند. حتی بخش قدیمی‌تر بدن در شکل‌دهی احساسات ما نقش مهم‌تری بازی می‌کند. احساس درد مثالی ساده دراین‌باره است. تجربه ذهنی درد همان احساسی است که در بدن ما تولید می‌شود. تجربیات ذهنی احساسی تصاویر فوری نیستند، بلکه فرآیندی در زمان‌اند. نقشه‌ای چندبعدی از پدیدارهای مغزی، در تعامل با کل بدن، به‌عبارتی دیگر روایتی از حوادث کوچک به‌هم‌رافته در بدن و مغز هستند. وقتی احساس گسترش پیدا می‌کند، تحیل و خلاقیت ممکن می‌شود. ذهن با نقشه و تصاویری که مغز برای تولید احساسات می‌سازد، به صحنه می‌آید. بدن و مغز در هم تداوم پیدا می‌کنند و در هم می‌آمیزند. بدن ما صحنه تئاتر احساسات ما است. مسلم است که احساس، سنگ‌بنای حافظه و یادگیری، به‌خاطر‌آوری، خیال‌پردازی، تفکر و آفرینش است. از این طریق است که وقایع برای ما اهمیت و ارزش پیدا می‌کنند و حافظه و تاریخ براساس آن بنا می‌شوند. ابداعات و اختراعات و همه دستاوردهای فرهنگ انسانی به این قدم اولیه نیاز دارد. انسان آگاه باید احساسات داشته باشد تا اجازه پیدا کند از قوه خیال استفاده کند و فرایند عقل و منطق را به کار گیرد. تجربیات ذهنی احساسی اولین قدم به سوی ساختن فرهنگ است. این بخش مهم از کار بدن و مغز، در دوران طولانی علم‌گرایی محض منطقیون و شناخت‌گرایان از خاطر محو شده و اهمیت خود را از دست داده بدو. احساسات می‌تواند لایه‌های مختلف داشته باشد. به نظر می‌رسد که اولین نوع احساسات به صورت آگاهی اولیه نزدیک به ۴۵۰ میلیون سال پیش، در مغز حشرات شکل گرفته و سپس در مغز پستانداران و به‌ویژه انسان پیچیده‌تر و دارای وسعت کاربردی شده است. در پی شکل‌گیری فرهنگ انسانی، احساسات عمق بیشتری پیدا کرده، به‌عنوان مثال، در هنر لایه‌های عمیق احساسات در انسان نمایان و به اشتراک گذاشته می‌شود. به قول مغزپژوه معاصر، آنتونیو داماسیو، کسی چون مارسل پروست می‌تواند این لایه‌یادبودن احساس‌ها را در رمان معروف خود «در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته» به ما نشان دهد. آدولفو لیباس، مغزپژوه معاصر، معتقد است ارتباطات شبکه‌های اجتماعی امروز را می‌توان در سطح تورینه‌های عصبی اولیه در شقایق‌های مقابل یک عیمق بینا‌انسانی در هنر باشد.

تجربه دیگران

جک ما، یکی از بنیان‌گذاران «علی‌بابا»، غول تجارت الکترونیک و ثروتمندترین مرد چین، در مصاحبه‌ای که هنوز نیویورک‌تایمز منتشر نکرده است، گفت که از نظر او بازنشتستگی «آغاز یک دوران» است که یکی از فعالیت‌هایش می‌تواند تمرکز بر فعالیت‌های خیریه در آموزش‌ویورش باشد. «علی‌بابا» ۱۲ سال است با کمیته بین‌المللی الپیک برای فرایندهای دیجیتال همکاری دارد.

دراهمیت آموزش

ورایتی، جک ما، مؤسس سایت معروف «علی‌بابا»، تصمیم گرفته که هم‌زمان با «روز معلم» در چین و در تولد ۵۴ سالگی خود، بازنشته‌شده شود و با راه‌اندازی یک بنیاد خیریه، بخش عمده ثروت ۴۰ میلیاردلاری خود را صرف خیریه‌ای با هدف کمک به آموزش کند. علی‌بابا اکنون ۴۲۰ میلیارد می‌ارزد.